سراج

روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۶۹۰
۹ اردیبهشت ماه ۱۴۰۴/ با ما همراه شوید
www.serajonline.com - @serajname

حدیث روز

پیامبر اکرم (ص) :
لَو یَعلَمُ العِبادُ ما فی رَمَضانَ لَتَمَنَّت أن یَکونَ رَمَضانُ سَنَةً .
اگر بندگان می دانستند که در رمضان چه [برکاتی] هست، آرزو می کردند که رمضان، یک سال باشد .

حافظ شیرازی به روایت شمس لنگرودی

تصحیح شمس لنگرودی از دیوان حافظ رت می‌توان حاصل درک و دریافت او از سال‌ها موانست با دیوان خواجه شیراز دانست که مبتنی بر ذوق و نگاه هنری مصحح است.

حافظ‌پژوهی از جمله موضوعات مورد توجه پژوهشگران و صاحب‌نظران طی یک سدهٔ گذشته بوده است. آثاری که در این حوزه طی این مدت منتشر شده، وجه گوناگونی از شعر خواجه شیراز را پیش چشم مخاطبان و ادب‌دوستان قرار داده است.

کتاب «دیوان اشعار حافظ» به تصحیح شمس لنگرودی از جمله تازه‌های نشر در این حوزه است که در روزهای پایانی سال گذشته منتشر شد و در حال حاضر به چاپ دوم نیز رسیده است. لنگرودی که از شاعران نام‌آشنای روزگار ماست و زبان شعرش قابل تامل است، در اثر جدید خود نیز به این وجه از شعر خواجه توجه کرده و براساس شناختی که از شعر حافظ دارد، از میان پیشنهادات مصححان، واژه‌ای را انتخاب کرده است. در واقع، همانطور که او توضیح می‌دهد، برخلاف دیگر مصححان دیوان حافظ، نسخه‌ای را اساس قرار نداده است:

دیوان‌های موجود حافظ از دو گروه بیرون نیست، یا مصححی نسخه‌ای کهن نزدیک به زمان حافظ یافته(به این امید که نسخه دست‌نخورده‌تر و اصیل‌تر است) آن را نسخه اساس قرار داده و دیگر نسخه‌های خطی و چاپی را با آن سنجیده و نسخه‌ای چاپ کرده است، یا اینکه مثل شاعر بزرگمان احمد شاملو اعلام کرده است که من بعضی از کلمات را بدون توجه به هیچ نسخه موجود بنا به درک و ذوق خودم عوض کرده‌ام. ولی با توضیحاتی که داده‌ام پیداست که فقط ایشان نبود که بنا به ذوق و درک خود کلمات را عوض و سطور را جابجا کرده است، پیشینیان نیز همه همین کار را کرده‌اند؛ بدون آنکه بگویند و اعلام دارند.

فرق دیوان حاضر با دیگر چاپ‌ها در این است که من نسخه‌ای را نسخه اساس قرار نداده‌ام و جز در چند مورد به خواست و ذوق خود نیز کلمه‌ای را تغییر نداده‌ام. من از میان واژه‌ها و سطور پیشنهادی مصححن دیوان حافظ واژه‌ها و سطوری را برگزیده‌ام که به لحاظ معنایی و موسیقیایی، حافظانه‌تر باشد.

به نظر می‌رسد کتاب «درک من از درک حافظ و زیبایی‌شناسی او» که قرار است از سوی انتشارات نگاه منتشر شود، تکمیل‌کننده تصحیح شمس و روشن‌کننده نوع نگاه او به خواجه شیراز باشد. شمس، برخلاف بسیاری از حافظ‌پژوهان، معتقد است، حافظ، عارف نبوده و عرفان تنها محملی برای بیان شعر بوده است: ما از دیوان حافظ، مثل هر اثر هنری دیگر، انتظار یکدستی ایدئولوژیک نداریم. دیوان حافظ اثری هنری است که طی سالیان و در لحظات و حالات متفاوت نوشته شده است و هر شعرش گویای احوال و افکار آن روز و آن لحظه است. با این همه در دیوان او عناصر پررنگ و مؤثر تکرارشونده‌ای وجود دارد که نوعی جهان‌بینی را القا می‌کند؛ فضایی خیامانه و عارفانه که نه خیامی است و نه الزاماً عرفانی. آسان‌گیری، هیچ بر هیچ بودن کار جهان، گرایش به شادخویی، امیدواری، طنز، نوعی سلوک با مردم و حاکمان جملگی در موسیقی و بازی زبانی رندانه‌ای ارائه می‌شود که رنگ و لعاب خیامانه-عارفانه دارد و حافظه‌اش می‌خوانیم، از وجوه پررنگ دیوان حافظ است.

لنگرودی در دیوانی که ارائه کرده است، چند موردی نیز دست به تغییر زده است از جمله آنکه: در شعر «ساقی بیا که یار ز رخ پرده بر گرفت/ کار چراغ خلوتیان باز در گرفت» در جایی می‌خوانیم: «زین قصه هفت گنبد افلاک پر صداست/ کوته نظر ببین که سخن مختصر گرفت». بعضی نسخ این بیت را ندارند. بعضی نیز به جای «ببین» نوشته‌اند «مبین». من با توجه به موسیقی شعر در این سطر به جای ببین، «نگر» را قرار داده‌ام.

شعر حافظ را می‌توان از این جهت که همواره مورد توجه اهل فن بوده، با دیگر آثار شاعران متمایز کرد. اشعار خواجه شیراز در کنار قداستی که برای عامه مردم دارد، برای متخصصین و پژوهشگران ادبی اثری است پر رمز و راز که کوشیده‌اند با ارائه تصحیح‌های مختلف، به نزدیک‌ترین دیوان به نظر او دست یابند؛ امری که دشوار می‌نماید، آن به دلیل آنکه خود حافظ بارها و بارها دیوان و اشعار خود را ویرایش کرده و دیوان او در طی قرون متمادی مورد توجه کاتبان مختلف بوده است. کتابت، یکی از علل اختلاف نسخه‌های مختلف یک اثر است اما وقتی پای شاعری چون حافظ در میان است، این اختلافات بیشتر هم می‌شود.

شمس معتقد آنچه برای حافظ مهم بوده، شعر است؛ نه بیان مسائل عرفانی. همین باور، سبب شده تا شمس نگاهی از وجه زبانی به شعر خواجه داشته باشد. تصحیح او را می‌توان جزو

تصحیح‌های ذوقی و نه انتقادی به شمار آورد. در تصحیح او غزلیات منتسب به خواجه نیز دیده می‌شود؛ اشعاری که به باور پژوهشگران از خواجه نیست اما در اکثر دیوان‌ها تکرار شده است؛ مانند غزل «المنهٔ لله که در میکده باز است» که گفته می‌شود از حیدر بقال شیرازی است و غزل «برو به کار خود ای واعظ این چه فریادست» از سلمان ساوجی.

از تصحیح مرحوم عبدالرحیم خلخالی، مشروطه‌خواه و ادیب، در سال ۱۳۰۶ تاکنون، آثار مختلفی با نگاه‌های انتقادی و ذوقی با محوریت تصحیح دیوان حافظ منتشر شد. از جمله آثار مشهور در این حوزه، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی است که در سال ۱۳۲۰ منتشر شد و الان نیز بسیاری از چاپ‌های حافظ براساس آن است و شهرت بیشتری در قیاس با دیگر آثار مشابه دارد، اما به گفته کارشناسان؛ خالی از خلل نیست.

از دیگر تصحیح‌های مورد توجه در این حوزه، «حافظ به سعی سایه»، اثر هوشنگ ابتهاج است که به دلیل کثرت منابع مورد استفاده قرار گرفته، قابل اعتناست. تصحیح دکتر پرویز ناتل خانلری به دلیل استفاده از منابع کهن‌تر و تصحیح سلیم نیساری(۱۳۸۷) که در آن ۵۰ اثر مهم قرن ۹ را بررسی کرده، از جمله تصحیح‌های انتقادی مورد توجه در این حوزه است.

در کنار تصحیح به روش انتقادی، تصحیح به روش ذوقی نیز سابقه طولانی دارد، با این حال این آثار بیشتر مورد توجه مخاطبان عام است تا اهل تحقیق. از این میان، حافظ شاملو از دیگر آثار شهرت بیشتری دارد که عمدتاً مرهون نام شاملو و دیدگاه‌های سیاسی و البته مقدمه تند و تیز اوست که نوشت:

«به راستی کیست این قلندر یک لاقبای کفرگو که در تاریک‌ترین ادوار سلطه ریاکاران زهدفروش یک تنه وعده ستاخیز را انکار می‌کند، خدا را عشق و شیطان را عقل می‌خواند و شلنگ‌انداز و دست‌افشان می‌گذرد که: «این خرقه که من دارم در رهن شراب اولی/ وین دفتر بی‌معنی، غرق می ناب اولی». یا تمسخر زنان می‌پرسد: «چو طفلان تا کی ای زاهد فریبی/ به سیب بوستان و بوی شیرم» و یا آشکارا به باور نداشتن مواعید مذهبی اقرار می‌کند که «من امروزم بهشت نقد حاصل می‌شود/ وعده فردای زاهد را چرا باور کنم؟»

به راستی کیست این مرد عجیب که با این همه، حتی در خانه قشری‌ترین مردم این دیار نیز کتابش را با قرآن و مثنوی در یک طاقچه می‌نهند، به طهارت دست به سویش نمی‌برند و چون به دست گرفتند، همچون کتاب آسمانی می‌بوسند و به پشیبانی می‌گذارند، سروش غیبش می‌دانند و سرنوشت اعمال و افعال خود را تمام بدو می‌سپارند. کیست این مرد کافر که چنین به حرمت در صف اولیاء الهی‌اش می‌نشانند؟»

انتشار این اثر از شاملو انتقادات بسیاری را به همراه داشت؛ از جمله نقد بهاالدین خرمشاهی بر این کتاب که خواندنی است.

بانویی که علم و اخلاق را دو بال کمال قرار داد

بانوان مسلمان با الگوگیری از شخصیت حضرت معصومه سلام الله علیها می‌توانند نقش مؤثری در گسترش اخلاق، معنویت و ارزش‌های انسانی در خانواده ایجاد کنند.

در جهان امروز که ارزش‌ها و هنجارهای مختلف در معرض تغییر و تحول قرار گرفته‌اند، نیاز به الگوبرداری از شخصیت‌های الهام‌بخش و معنوی بیش از پیش احساس می‌شود. در این میان، اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و فرزندان ایشان نمونه‌های کاملی از انسانیت، تقوا، دانش و عزت‌نفس هستند. در کنار آن‌ها، فرزندان و شاگردانی که در مکتب این انوار مقدس تربیت یافته‌اند، نیز از جمله عالمان بزرگی هستند که به واسطهٔ اتصال به معصومین علیهم‌السلام، به اوج کمالات انسانی و الهی دست یافته‌اند. این افراد، با بهره‌گیری از علم و معرفت اهل بیت علیهم‌السلام، نه تنها خود را به درجات بالای معنویت و ایمان رساندند، بلکه منبع نور و هدایت برای دیگران شدند.

یکی از این شخصیت‌های ارزشمند، حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها است که به عنوان الگویی شایسته برای دختران مسلمان می‌تواند نقش مهمی در تربیت نسل‌هایی با ایمان و ارزش‌های اسلامی ایفا کند. ولادت ایشان و ویژگی‌های شخصیتی بارزشان، درسی برای همه زنان و دختران است که چگونه می‌توانند در زندگی خود به کمال انسانی دست یابند.

حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها در روز اول ذی‌القعده سال ۱۷۳ هجری قمری در شهر مدینه متولد شدند. ایشان دختر امام موسی کاظم علیه‌السلام و خواهر امام علی بن موسی الرضا علیه‌السلام هستند. ولادت این بانوی بزرگوار در خانواده‌ای که سرچشمه معرفت الهی و فضایل انسانی بود، زمینه‌ساز تربیت شخصیتی شد که همچون ستاره‌ای درخشان در تاریخ اسلام می‌درخشد. از کودکی زیر سایه تربیت پدر بزرگوارشان و برادر ارجمندشان، امام رضا علیه السلام قرار گرفتند و از علم و دانش این دو امام بزرگوار بهره‌مند شدند.

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های حضرت معصومه سلام الله علیها دانش و علم فراوان ایشان بود. ایشان در بسیاری از علوم زمان خود، از جمله معارف دینی و احکام اسلامی تسلط داشتند و در تاریخ ذکر شده که پاسخ‌های عالمانه ایشان به پرسش‌های مردم، ایشان را در زمره بزرگ‌ترین دانشمندان اهل بیت علیهم‌السلام قرار داده است. این ویژگی می‌تواند برای دختران مسلمان الگویی ارزشمند باشد که همواره در طلب علم و دانش تلاش کنند و خود را به زیور معرفت بیارایند.

تقوای حضرت معصومه سلام الله علیها یکی دیگر از ویژگی‌های بارز ایشان بود. آن بانوی بزرگوار علاوه بر علم و دانش، در عبادات، اخلاص و بندگی خداوند نیز نمونه کامل بودند. اخلاص و تقوای ایشان نشان‌دهنده جایگاه والای معنوی‌شان بود و می‌تواند به زنان مسلمان بیاموزد که چگونه در کنار فعالیت‌های زندگی و اجتماعی، به تقویت رابطه خود با خدا نیز اهمیت دهند.

هرچند حضرت معصومه سلام الله علیها زندگی کوتاهی داشتند، اما در همین زمان محدود تأثیر قابل‌توجهی بر جامعه خود گذاشتند. شخصیت اجتماعی ایشان نشان می‌دهد که چگونه یک زن مسلمان می‌تواند در عین حفظ حیای اسلامی، نقش اجتماعی مؤثری در جامعه ایفا کند. مهاجرت ایشان به شهر قم و تأثیر معنوی‌شان بر این منطقه، نمونه‌ای از تأثیرگذاری زن مسلمان در اجتماع است. هرچند باید مدنظر داشت که الگوی مطلوب بانوان مسلمان، قرآن است که خطاب به زنان می‌فرماید «و در خانه هایتان قرار و آرام گیرید، و [در میان نامحرمان و کوچه و بازار] مانند زنان دوران جاهلیت پیشین [که برای خودنمایی با زینت و آرایش و بدون پوشش در همه جا ظاهر می شدند] ظاهر نشوید.»

این آیه به روشنی بر حفظ حیا، وقار و نقش‌آفرینی مناسب بانوان در جامعه تأکید و بانوان را به آرامش در محیط خانواده و حفظ جایگاه معنوی و اجتماعی خود دعوت می‌کند. با این حال، شرایط خاص و استثنایی در مواقعی سبب می‌شد بانوان به مسئولیت‌ها و فعالیت‌هایی خارج از خانه فراخوانده شوند که همان نصرت امام عصرشان بود، همچون حضرت زهرا، حضرت زینب و حضرت معصومه سلام الله علیهم.

محبت و دلبستگی حضرت معصومه سلام الله علیها به خانواده و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، یکی دیگر از ویژگی‌های محبوب ایشان است. علاقه ویژه‌ای که ایشان به برادر بزرگوارشان امام رضا علیه‌السلام داشتند، نشان‌دهنده عمق ارتباط و احترام درون خانواده اهل بیت است. این ویژگی‌ها می‌تواند یادآور اهمیت روابط عاطفی سالم و اخلاق اسلامی در زندگی خانوادگی برای دختران و زنان مسلمان باشد.

حضرت معصومه سلام الله علیها با وجود عمر کوتاهی که داشتند، رسالت بزرگی در گسترش پیام اسلام ایفا کردند. آرامگاه ایشان در شهر قم همواره به عنوان مرکزی برای ترویج علوم دینی و معنوی شناخته شده و زیارتگاه عاشقان اهل بیت علیهم‌السلام است. بانوان مسلمان با الگوگیری از شخصیت حضرت معصومه سلام الله علیها می‌توانند نقش مؤثری در گسترش اخلاق، معنویت و ارزش‌های انسانی در خانواده ایجاد کنند.

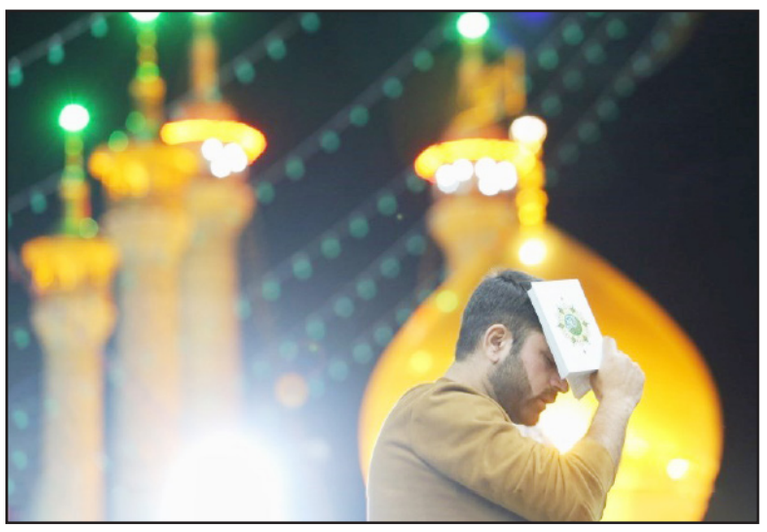

میزبانی از ۳۰ ناشر و شخصیت فرهنگی عراق در نمایشگاه کتاب

مدیر بخش امور بین‌الملل نمایشگاه کتاب تهران، گفت: این رویداد در سی‌وششمین دوره خود، میزبان بیش از ۳۰ ناشر و شخصیت فرهنگی برجسته از کشور عراق در بخش بین‌الملل خواهد بود.

به نقل از ستاد خبری سی و ششمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، حسین‌علی سبزه، مدیر بخش امور بین‌الملل نمایشگاه کتاب تهران با اشاره به اینکه انتخاب کشور عراق به‌عنوان میهمان ویژه این دوره از نمایشگاه، بر عمق پیوندهای تاریخی، فرهنگی و ادبی میان دو ملت ایران و عراق تأکید دارد، عنوان کرد: به منظور حضور عراق در نمایشگاه کتاب تهران، فضایی به مساحت ۳۶۰ متر مربع برای میزبانی از ناشران، نهادهای فرهنگی و چهره‌های برجسته این کشور اختصاص یافته است

وی افزود: در راستای تقویت این حضور، دعوت‌نامه رسمی برای وزیر فرهنگ، گردشگری و آثار باستانی جمهوری عراق جهت حضور در آیین افتتاحیه و سایر برنامه‌های رسمی نمایشگاه ارسال شده است و همچنین نشست هماهنگی اجرایی با هیئت فرهنگی عراق برگزار و زمینه‌های لازم برای برگزاری باشکوه برنامه‌های مشترک فراهم شده است.

سبزه ادامه داد: تاکنون، حضور بیش از ۳۰ ناشر برجسته از بخش‌های خصوصی و دولتی عراق در این دوره قطعی شده است. افزون بر این، شماری از اندیشمندان، نویسندگان و چهره‌های فرهنگی عراق نیز با هدف معرفی تازه‌ترین دستاوردهای فکری و هنری خود در این رویداد شرکت خواهند کرد.

مدیر بخش امور بین الملل نمایشگاه کتاب تهران همچنین گفت: در بخش بورسیه بین‌الملل نیز حضور بیش از ۳۰ مهمان از نویسندگان، مترجمان و ناشران مطرح از ۳۰ کشور جهان نهایی شده است که با حضور فعال خود، عرصه تبادل فرهنگی و ادبی میان ایران و سایر کشورها را غنی‌تر خواهند ساخت.

به گفته سبزه برنامه‌های متنوعی شامل نشست‌های تخصصی، دیدارهای دوجانبه، و بازدیدهای علمی و فرهنگی با حضور ناشران، مؤلفان و فعالان نشر از کشورهای مختلف پیش‌بینی شده است که این برنامه‌ها بستری برای توسعه همکاری‌های نشر بین‌المللی و گسترش دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

وی تاکید کرد: تمهیدات لازم برای دیدارهای تخصصی میان مهمانان خارجی و مسئولان

فرهنگی و نشر ایران اندیشیده شده است تا این تعاملات مقدمه‌ای برای همکاری‌های مستمر در عرصه فرهنگ، هنر و ادبیات باشد.

سی‌وششمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از ۱۷ تا ۲۷ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۴ با شعار «بخوانیم برای ایران» در محل مصلای امام خمینی (ره) برگزار خواهد شد.

تحلیلی بر زندگی در خانواده های متزلزل

دکتر مجتبی خندان
(پژوهشگر عرصه خانواده)

بخش چهارم

.۶ افزایش سطح انتظارات و گسترش چشم و هم چشمی

پدیده ی مصرف زدگی، ایجاد نیازهای کاذب و رشد خصوصی سازی، فردیت را تقویت می کند. در چنین فضایی، همه می کوشند به فکر خودشان باشند. عموم مردم روز به روز نیازهای جدیدی حس می کنند و همگام با آن، انتظاراتشان اوج می گیرد. حالت چشم و هم چشمی قوت می گیرد و از خصایص فرهنگی جامعه، به ویژه نسل جوان می شود. این پدیده ازدواج را با چالش های جدی رو به رو می سازد و نگرانی های مربوط به آن افزایش می یابد. اگر در گذشته، جوان با کمترین امکانات و با رضایت خاطر ازدواج می کرد، امروز احساس می شود که امکانات فراوانی برای شروع زندگی لازم است. به همین دلیل، ازدواج ها به تأخیر می افتد. جوان بخشی از نیازمندی خود را که باید در محدوده ی زندگی زناشویی باشد، از فضای باز جامعه تأمین می کند، بدون اینکه مسئولیتی بپذیرد. از همین جا، فرد بی مسئولیت می شود و می خواهد فقط خواست خود را بر آورده سازد، در حالی که به دیگران بی توجه باشد. گاه جوان با امکانات اندک ازدواج می کند، اما از آنجا که انتظارات و توقعات به قوّت خود باقی است، ازدواج بر شالوده ی سستی بنا می شود و همیشه متزلزل است.

۷. افزایش تفاوت های فردی بر اساس گسترش پیچیدگی های اجتماعی

تفاوت زندگی شهری و روستایی به ما نشان می دهد که زندگی شهری پیچیدگی هایی ویژه دارد. فرهنگ های گوناگون مناطق باعث می شود که افراد جامعه ی شهری، تفاوت های فردی بیشتری داشته باشند. انتخاب همسر در جامعه ی روستایی با تنوع چندانی رو به رو نیست، در حالی که انتخاب در جامعه ی شهری به دلیل تنوع فراوان گزینه ها و ناآگاهی از شخصیت آنها، دشوار و مخاطره آمیز به نظر می رسد. در منطقه ی روستایی، دل مشغولی اکثر قریب به اتفاق دختران، هنر خانه داری است. آنها باورها، اعتقادات و انتظارات کم و بیش یک سانی دارند. اما اوضاع فرهنگی شهرها، به ویژه کلان شهرها بسیار متفاوت است. وجود دختران و پسرانی با اعتقادات و نگرش های دینی، اجتماعی و سیاسی متفاوت و علایق گوناگون، تفاوت های فردی بسیاری را به همراه دارد، در حالی که شیوه ی انتخاب، همچنان سنتی است. برای گذر از این مرحله ی پیچیده، لازم است تحقیق به صورتی جدی و تعریف شده، در دستور کار خانواده ها قرار گیرد. در چنین وضعیتی، شناخت دختر و پسر از یکدیگر باید عمیق و صحیح باشد. در این جهت، والدین نقش بسیار مهمی دارند و باید این، بار مسئولیت را به بهترین نحو بر عهده گیرند و برای کسب توانمندی و قابلیت در این زمینه بکوشند، وگرنه عوارض سنگینی همچون دوستی های پنهان دختران و پسران رخ خواهد داد. آنها به دلیل اینکه خانواده، توانایی کمک کردن به آنها را ندارد و از قابلیت لازم برای تحقیق برخوردار نیست، خود به ارتباط با یکدیگر رو می آورند، در حالی که بر خلاف تصورشان، بسیار آسیب پذیرند.

از لحاظ سنتی، عشق عنصر ستاره دار ازدواج نیست، بلکه مهم تر این است که اتحادی استوار و مناسب میان دو فرد پدید آید و دو خانواده با یکدیگر پیوند یابند. در جوامع غربی، تأکیدهای فرهنگی فراوانی بر عاشق شدن وجود دارد. اگر زوج ها از مدار عشق رمانتیک خارج شوند، مایه ی اندکی برای با هم بودن آنها وجود دارد. در حالی که در ازدواج سنتی، اتحاد استوار باعث می شود تا زنجیرهای اتصال خانواده ها با یکدیگر، بسیار محکم تر باشد.

۸. پذیرش نقش های اجتماعی از سوی زنان

امروزه، میزان مشارکت زنان در امور اجتماعی و سیاسی بسیار فراتر از گذشته است. حضور دختران در دانشگاه که اکثریت دانشجویان در بیشتر رشته ها (و حتی رشته هایی همانند عمران و مکانیک که پیش تر کاملاً مردان بود) هستند، همچنین تمایل به ادامه ی تحصیل تا مقطع دکتری، اشتغال در تمام مراکز شغلی و حضور در فعالیت های گوناگون هنری و ورزشی، نمونه هایی از افزایش میزان مشارکت زنان در جامعه و پذیرش نقش های اجتماعی است. این تغییرات، باعث دگرگونی نگاه دختران به ازدواج و پیدایش انتظارات جدید شده است.

در دنیای معاصر، اشتغال زنان مفهوم جدیدی پیدا کرده است، و گرنه اصل اشتغال آنان در کنار مردان، سابقه ای دیرینه دارد و پدیده ی جدید نیست. در دنیای امروز، اشتغال زنان شامل فعالیت هایی عمدتاً اقتصادی است که در ساعات معین و انعطاف ناپذیر، آن هم در خارج از خانه است. بی شک این نوع کار آنها خارج از خانه و دور از انعطاف، ساختار و نوع عملکرد خانواده را دچار تغییر می کند. امروزه، بیشتر دختران، جویای اشتغال به تحصیل، کار در بیرون از خانه و خوداتکایی در مسائل اقتصادی هستند. این گرایش سبب می شود که آنان تعریف جدیدی از نقش زن و شوهر در زندگی داشته باشند. افزایش زنان تحصیل کرده و تغییر نظام ارزشی سبب می شود تا مطالبات زنان برای حضور در صحنه های اقتصادی افزایش یابد. آنها، اولاً انتظار دارند دوش به دوش مردان در کارهای اجتماعی، حتی گاه در حد حرفه ای، حضور داشته باشند و ثانیاً، مردان در کارهای منزل و بچه داری خود را سهیم بدانند و اینها را وظیفه ی مشترک تلقی کنند، و ثالثاً به حفظ نقش های اجتماعی، بر بهره مندی از امتیازات سنتی خویش اصرار می ورزند و بر این باورند که تأمین هزینه های زندگی به عهده ی شوهر است و نباید مرد به درآمد همسر خویش توجه کند.

در مقابل، هنوز در اندیشه ی مردان و نگرش آنان درباره ی نقش زن در خانه، تغییر چندانی رخ نداده است. آنها معتقدند، زنان در خانه نقشی اساسی دارند و نباید از مردان انتظار داشته باشند که آنها کارهای منزل را وظیفه ی مشترک زن و شوهر بدانند. این تفاوت به بروز تعارض و اختلاف جدی در زندگی مشترک منتهی می شود و احساس دل بستگی به زندگی را در زن و شوهر کاهش می دهد.

بر این اساس، همفکری، هم بستگی، عشق و عاطفه، و تعاون و همکاری در میان اعضای خانواده کم رنگ شده و نقش و موقعیت سنتی خانواده را از بین رفته است. چرخه ی تحولات موجود باعث سستی و بی تفاوتی افراد به تعهدات خویش و ناپایداری زندگی مشترک شده است. این نوع خانواده ها، خانه محور هستند و فقط سرپناهی آنان را کنار یکدیگر جمع کرده است؛ در حالی که برخی جامعه شناسان، خانواده را یگانه نهادی می دانند که وظیفه ی دگرگون کردن ارگانیسم زیستی و تبدیل آن به وجود انسان را بر عهده دارد و از طریق آموزش و اجرای نقش های اجتماعی، دگرگونی عظیمی در افراد جامعه پدید می آورد، به طوری که رفتار آموخته شده در خانواده، نمونه و سرمشق رفتار در سایر قسمت های جامعه است.(۱)

همچنین، خانواده را مربی نیروی فعال جامعه، بارورکننده ی توانایی ها و سلامت بخش روان می داند و هیچ یک از آسیب های اجتماعی را فارغ از تأثیر خانواده نمی دانند.(۲)

برخی افراد، ازدواج های آزاد یا به عبارتی همزیستی را بهترین راه حل ارضای نیازهای انسان می دانند. این طرز فکر، نقطه ی مقابل آموزه های دینی است که زن و مرد را مکمل یکدیگر معرفی می کند خانواده را رکن اساسی نظام اجتماعی می داند.(۳)

نتیجه ی چنین خانواده هایی، پیدایش مشکلات اجتماعی ذیل است:

الف) از بین رفتن فضای سالم برای تربیت کودکان

فرزندان، ارزش های اخلاقی را از خانواده و با تکیه بر والدین خود به منزله ی الگوی زندگی می آموزند. وقتی خانواده ناپایدار است، پدر و مادر در خانه حضور ندارند یا فقط حضور فیزیکی دارند، از جهت عاطفی سرد یا پُرمشغله هستند و خودشان در برابر یکدیگر بی مسئولیت هستند، چگونه می توان انتظار داشت فرزندانی وظیفه شناس، با احساس و مسئولیت پذیر تربیت شوند. وقتی والدین داوطلبانه از یکدیگر جدا می شوند و کودکان، اکثر دوران نیازمندی خود به والدین را فقط در کنار یکی از والدین سپری می کنند و از حلقه ی گرم و صمیمی خانواده محروم اند، آیا جز این می توان انتظار داشت که فرزندان از احساس مسئولیت تهی شوند و هر کس به فکر خویش باشد و برنامه ای مستقل داشته باشد؟ این شکل زندگی از آن جهت شکل می گیرد که پدر و مادر از مسئولیت های عاطفی و مالی در برابر یکدیگر شانه خالی کنند.

این پدیده عمدتاً با استفاده ی گسترده از ابزارهای پیشگیری و سقط جنین در کشورهای همچون سوئد و دانمارک بسیار رایج است و حدود بیست درصد خانواده ها با این شیوه زندگی می کنند.(۴)

ب) ایجاد زمینه ی بزهکاری جوانان

برخی مادران به همان اندازه که به فرزند و زندگی مشترک خود اهمیت می دهند کار اجتماعی را جدی می گیرند و گاه به کارشان بیشتر اهمیت می دهند. آنها در ابراز عواطف به فرزندانشان کوتاهی می کنند و در مقابل، از فرزندان انتظارات بسیاری دارند. آنان به همین جهت، فرزندان خود را به استقلال زودرس سوق می دهند. در چنین خانواده هایی فرزندان بسیار زود از خانواده جدا می شوند و در حالی که هنوز پختگی و بلوغ لازم را ندارند و از نظارت و حمایت جدی والدین نیز برخوردار نیستند، می خواهند روی پای خود بایستند، به فکر خود تکیه کنند و آن گونه که خود می فهمند با دیگران ارتباط برقرار کنند. این استقلال زودرس، آنان را به سرکشی، اعتماد به نفس کاذب، بی باکی، گستاخی و خودمختاری می کشاند. نتیجه ی چنین تفکری، افتادن در دام بزهکاران چیره دست و باندهای مخوف است.

یکی از نمودهای عینی بحران در روند جهانی شدن، بحران خانواده ناشی از گسستگی آن است، به طوری که پیدایش طلاق و افزایش آن در جوامع امروزی، یکی از نتایج آن است و پیامدهای آن در رفتارهای فرزندان مانند بزهکاری، ترک تحصیل و جدا شدن از خانواده منعکس است. بحران خانواده به شکل خشونت های خانوادگی، سوء استفاده ی جنسی، بزهکاری و فقر نمود می یابد.(۵)

ادامه دارد .....